



۲۰۲۰/۸/۱۱



احسان الله میار

صفحه ای از تاریخ

قسمت هشتم

در قسمت هفتم این مبحث صحبت از سفر بنده از فرانکفورت به تاریخ ۱۹۸۵/۸/۱ در پشاور نسبت به وفات برادرم عزیزالله در میان بود که در ضمن آن دید وادید های در قبال تکوین پروسه "جبهه متحد" نیز صورت گرفت.

اینک یادداشت های مربوط از نظر خوانندگان گذارش می یابد:

۱۹۸۵/۸/۵

در منزل سید اسحق گیلانی يك تعداد از افغان های وارد به قزایای افغانستان دعوت شده بودند که از جمله میتوان از وکیل وزیر محمد جدران، وکیل سدو اصیل، عبدالحکیم اریوبی، دگروال ایوب اصیل نام برد. سید اسحق گیلانی راجع به اتحاد اخیر صحبت کرده گفت که حکومت پاکستان و مخصوصاً دستگاه استخبارات نظامی پاکستان بالای رهبران فشار آورده تا با هم ائتلاف کنند و همچنان عبدالرسول سیاف را بحیث رهبر هفتم داخل اتحاد نموده و او را بالای اتحاد شش گانه قبولانیده است. در حال حاضر کمیته ای را بنام شورای ائتلاف عنوان داده که در آن علاوه بر هفت رهبر تنظیم ها و احزاب هفت نفر از هر يك تنظیم و احزاب به شورای ائتلاف معرفی شده اند که باین احتساب شورای دارای ۵۶ عضو می باشد.

بعد از سازش های تحمیلی حکومت پاکستان با رهبران هر کدام شان دفاتر جداگانه ترتیب داده اند و حرکت انقلاب اسلامی محمدی دفتر اتحاد سابق را تسلیم شده که بدین اساس هر تنظیم و حزب ساز و برگ جداگانه ای از خود ترتیب داده و رهبران شان هیچ گونه رابطه ای صمیمی با همدیگر ندارند.

در این جریان موقف جبهه نجات ملی، حضرت صبغت الله مجددی نسبت به گذشته رونق بهتر گرفته که به طور مثال میتوان از مراجعه و قبول فرماندهی جبهه نجات ملی، قوماندان بلال از پغمان یکی از قوماندانان سرشناس حزب اسلامی حکمتیار، به جبهه یاد کرد. علاوه بر این آقای سید شمس الدین مجروح بحیث مشاور جبهه نجات ملی تعیین شده و صدیق سلجوقی بحیث آمر فرهنگی و شیر زوی بحیث عضو آمریت سیاسی محاذ ملی منصوب گردیده اند. هفت نفریکه از طرف محاذ بنام اعضای شورای ائتلاف در اتحاد نام نهاد تعیین شده اند عبارتند از: سید حسن (شاه آغا) گیلانی، برادرزاده، محمد گیلانی، پسر وحمید داماد پیر گیلانی، استاد گران، دگروال رحیم وردگ و داکتر فاروق اعظم.

يك تعداد زياد مردم به شمول محترمان ذيل بديدم تشريف آوردند، سيد شمس الدين مجروح، دكتور عزيز الله لودين، وكيل وزير محمد جدران، و كيل سدو اصيل، عبدالحكيم آريوبي، و غلام حسن كروخيل. صحبت ما در باره وضع جهاد و چگونگی تشكّل اتحاد ائتلاف رهبران ميچرخيد و همه معتقد بودند كه اين نوع سازش ها به نفع مردم افغانستان نبوده بلكه بيشتر در راه تحقق بخشيدن و رسيدن به اهداف پاكستان در منطقه خدمت ميكنند.

۱۹۸۵ / ۸ / ۱۰

ساعت ۶ شام قرار وعده قبلي به منزل مولوي محمد شاه فضلي رفته و ساعتی با وی در باره وضع جهاد و موقف رهبران صحبت كرديم. مولوي فضلي از اينكه رهبران مويد نهضت روم تحت قيادت اعليحضرت محمد ظاهر شاه با اخلاص و صداقت همكاري نكردند ياد نمود. وی معتقد است كه رهبران جهادي از خود صلاحيت ندارند، بلكه تحت رهنمائي و هدايت دستگاه استخبارات نظامي پاكستان تحت فشار بوده و در قيد زنجير اوامر آنها قرار دارند.

به مولوي فضلي كه مبتلا به مرض توبركلوز است و آنها به قسميكه در هر سرفه خون هم می آيد توصيه كردم كه براي چند ماه از پشاور كه هواي نا سالم دارد به منطقه كوهستاني پاكستان، مانند ابيت آباد و يا صوات براي استراحت برود و فاميل خود را از خطر اين مرض دور كند. مولوي فضلي اظهار داشت كه نبودن وی در حركت انقلاب اسلامي با عث خرابكاريهاي زياد مي شود كه به ضرر جهاد تمام ميگردد. همچنان آنقدر استطاعت مالي ندارد كه در دو منطقه مختلف زندگاني خود را پيش ببرد. در مورد اين دو اصل جوابي نداشتم و با تأثر از وی خدا حافظي كردم

(يادداشت: در گذشته از مولوي محمدشاه فضل صحبت شده. مولوي فضلي يكي از چهره هاي بي همتا در جهاد بوده كه با جرئت تمام و قدرت علمي خود از ساختمان "جبهه متحد" دفاع می كرد. وی يك شخصيت پاك بوده كه مخصوصاً رهبران سه تنظيم در برابرش احتياط كامل به خرچ داده و در مناقشات گفتار از وی حراس داشتند.) بعد از صحبت با مولوي فضلي ساعت ۸ شام نزد گلاب ننگرهاري رفته. وی نيز شكايه ها داشت و ليكن چاره آنرا نميدانست. از وی خواهش كردم تا راپور جريان جهاد را براي بنويسد كه با لطف پذيرفت. ضمن صحبت گفت كه قرار راپورهاي واصله روسها آهسته آهسته به جمع آوري وسايل و مهمات خود از داخل ساختمان ها آغاز کرده اند و چنان مينمايد كه ترتيبات مقدماتي بيرون شدن خود را از افغانستان روي دست گرفته اند.

۱۹۸۵ / ۸ / ۱۱

شب در دعوت داکتر لودين علاوه بر ديگر دوستان آقايون سيد شمس الدين مجروح، غلام حسن كروخيل، وكيل سدو اصيل، وكيل شهباز احمدزي، وكيل وزير محمد جدران، عبدالحكيم آريوبي، وكيل سليمان ياري نيز آمده بودند. روي مسائل داغ روز بحث شد كه مهمترين آن مسئله روش گرباچوف، رهبر جديد شوروي در باره قضيه افغانستان بود كه برخلاف اسلاف خود آنها متحجر نمانده بلكه در پاليسي خود جهت حل بحران افغانستان انعطاف را قبول کرده است. ضمن صحبت از غلام حسن كروخيل، كه با گلبدين حكمتيار رابطه دارد، خواهش كردم تا امكانات ديدار مرا با حكمتيار ميسر گرداند.

۱۹۸۵ / ۸ / ۱۲

امروز با فدیونس شارژ دافر سفارت پاکستان در کابل به منزل سید اسحق گیلانی صحبتی میسر گردید. وی در این او اخر از کابل باز گشته. حین صحبت از روند کار اعلیحضرت انتقاد کرده گفت که چرا بیشتر صدای خود را بلند نمی کند و به ممالک ذیعلاقه در قضیه افغانستان سفر نمی کند. وی پیشنهاد کرد، یقیناً نظر حکومت وی نیز میباشد، تا اعلیحضرت بنام حج عمره در رأس هیئتی به عربستان سعودی و همچنان بنام دیدار با اعضای فامیلش به امریکا سفر کند. اجرای چنین سفرها میتواند در حل بحران افغانستان اهمیت به سزائی داشته و احتمال دارد که رژیم کابل آمادگی آنرا داشته باشد تا قدرت را به وی تفویص کند .

گیلانی و من بیانات وی را شنیدیم و کدام نظر خاصی ارائه نکردیم.

۱۹۸۵ / ۸ / ۱۵

پهلوان حفیظ با تعدادی از مجاهدی منطقه تخار نزد آمدند. قوماندان شایسته ایست که آرزو دارد او را به مولوی خالص معرفی کنم. قرار اظهار خودش فعلاً ۱۵۰ میل سلاح خفیه به شمول راکت لینچر و هاوان در دست دارد و حاضر است تا در حلقه جبهه "البلال" جهاد کند. پدر و فامیلش با پدرم از زمان ماموریتش در آن ولایت، دوستی داشتند.

۱۹۸۵ / ۸ / ۳۰

بساعت ۲،۵۰ صبح از اسلام آباد حرکت و شام روز به فرانکفورت رسیدم.

۱۹۸۵ / ۹ / ۱۶

ساعت ۱۱،۰۰ داکتر محمد یوسف تلفون کرد تا بمنزلش بروم، قرار است امروز ساعت يك بعد از ظهر حضرت صبغت الله مجددی بمعیت داکتر عبدالرحمن اشرف نزدش بیایند.

ساعت ۱۲ بمنزل داکتر مواصلت کردم و در باره اینکه حضرت مجددی چه خواهد گفت صحبت شد و قرار گذاشتیم که بهتر است بشنویم که حضرت چه گفتنی دارد؟

ساعت ۱،۰۰ بعد از ظهر حضرت مجددی و اشرف رسیدند. حضرت در اطراف حل بحران افغانستان نظر خود را توضیح داد که چنین میتوان از آن نتیجه گرفت که: آنها، رهبران مجاهدین (ملی گرا ها) در پاکستان ائتلاف موقتی ای را با رژیم کابل در نظر دارند و در این باره می خواهد نظر داکتر یوسف را بشنود.

در اطراف این طرز فکر مفصل صحبت شد و داکتر محمد یوسف برایش گفت که ائتلاف با رژیم کابل منجر به بقای نظامی موجود شده یقیناً از وجود مجاهدین صرف به نام استفاده خواهد شد نه اینکه در اصل ساختمان نظام که خواسته ملت افغان نمی باشد، تغییری وارد گردد. بنده نیز نظر داکتر محمد یوسف را تأیید کرده علاوه کردم که ما می باید انگیزه قیام مردم افغان را که بر دفاع از دین و آزادی کشور استوار است لحظه ای از نظر دور نداشته باشیم، زیرا هر گونه سازش با رژیم کابل معنی جفا را در برابر مجاهدین دارد و ما باید چنین عملی را هرگز انجام ندهیم.

سپس درباره چگونگی اتحاد مجاهدین در پشاور سوال شد و حضرت مجددی گفت که:

- مطلب از اتحاد میسرگردانیدن کمک های بیشتر برای تنظیم ها و احزاب بوده است اما در اساس اختلافات عمیق بین رهبران جهاد موجود بوده و از بین نخواهد رفت.

- دستگاه استخبارات نظامی پاکستان از ناتوانی جهاد در طول دو سال گذشته اطلاع دارد و نمی خواهد که موقف جهاد ضعیفتر گردد، زیرا ضعف جهاد به ضرر پاکستان تمام خواهد شد از اینرو به اتحاد بین مجاهدین توصل نموده تا با این افزار جنگ تشدید یافته بتواند.

- حضرت مجددی اضافه کرد که وی شخصاً تلاش دارد تا موقف مثبت اعلیحضرت را در حلقه مجاهدین تقویه کند و با این وسیله جبهه متحد مجاهدین را بوجود آورد. اما علاوه کرد که مشکل ما برای پیاده کردن جبهه متحد و اعلیحضرت در چوکات جهاد نبود علایم مثبت پذیرش از طرف کشورهای ذیدخل در قضیه افغانستان می باشد. تا امروز نه حکومت پاکستان و نه عربستان سعودی به ما اشاره ای نموده که زمینه سهمگیری اعلیحضرت را میسر سازد، وی گفت که در نظر دارد تا اخیر هفته به روم سفر نموده و از چگونگی اوضاع اعلیحضرت را مستحضر گرداند، صحبت ها تا حوالی ۷ شام دوام کرد و قرار شد تا از جریان همدیگر را بیخبر نگذاریم.

۱۹۸۵ / ۱۰ / ۲۳

عنوانی جنرال عبدالولی مکتوبی با متن ذیل فرستادم:

برادر محترم و گرامی جنرال صاحب!

بامید صحت و سلامتی شما و جمله متعلقین.

طوریکه تلفونی با شما در باره مصاحبه تلویزیونی حضور اعلیحضرت با کریستیان سترلی یاد آور شدم اینک سوالها را با ترجمه آن خدمت می فرستم تا از نظر اعلیحضرت گذارش یافته و روزملاقات و مصاحبه تعیین گردد.

کریستیان سترلی که از سال ۱۹۷۶ باینطرف چندین مرتبه به افغانستان مسافرت کرده با اوضاع افغانستان به خوبی وارد است و در تلویزیون آلمان به پخش برنامه های وی اهمیت زیاد می دهند.

سوال های وی به منظور سوال و جواب ترتیب نشده بلکه خطوط اساسی آنرا پیشنهاد نموده که ضمن مصاحبه در باره یادآوری خواهد شد. چون اهمیت موضوع زیادتر به دوران سلطنت متمرکز شده ازینرو انداختن روشنی به زمان گذشته بعد از نجات افغانستان و سلطنت اعلیحضرت شهید سند تاریخی خوبی باقی میماند و میباید از موقع استفاده شود.

کریستیان سترلی بمن گفت که در نظر دارد، اگر اعلیحضرت موافقه کنند، این پروگرام را تا اواخر ماه نومبر تکمیل کرده و در آغاز سال ۱۹۸۶ آنرا پخش کند.

در این مصاحبه یک تیم عکاسی و اگرخواسته باشند من هم خدمت اعلیحضرت رسیده می توانم. سترلی ازمن دعوت کرده تا او را همراهی کنم. نا گفته نماند که سفر من جزء اینکه بعد از مدت طولانی بتوانیم با هم ببینیم و تبادل نظر نماییم و یا احیاناً بعضی مطالب را از آلمانی به فارسی ترجمه کرده بتوانم کدام ضرورت دیگر ندارد، با وجود این هم انتظار احوال تانرا دارم.

لطفاً احترامات مرا بهمه رسانیده ممنون سازید. برادر تان امضاء

سوال های کریستیان سترلی:

- پرنسپهای لویه جرگه (مجلس بزرگ قومی)

- شکل دولت و ساختمان ارگانهای اداری به شمول پارلمان در زمان قیادت اعلیحضرت

- چرا نظام مشروطه شاهی در افغانستان از بین رفت؟
- از کدام وقت باینطرف میتوان از شناسایی افغانستان بحیث کل نام برد
- عوامل ایکه افغانستان برخلاف ممالک همسایه شناخت، Identity، بخصوص دارد چه می باشد؟
- تاثیر فشار روسیه و انگلیس در قرن ۱۹ بر افغانستان
- چه امکاناتی میسر شد که افغانستان خود را از قید استعمار انگلستان برهاند؟
- آیا يك مملکت کوچک مانند افغانستان با چنین اهمیت ستراتیژیکی می تواند در جمله ملل بیطرف، آزاد و حایل پایدار بماند؟
- علل ناکامی پروژه های رفورم شاه امان الله چه بود؟
- دوستی بین آلمان و افغانستان چگونه به وجود آمد؟ و کدام عوامل پایداری و استقرار روابط بین این دو کشور را سبب شده.
- زندگی زمان جوانی اعلیحضرت چه نوع بود؟
- خاطرات تخت نشینی اعلیحضرت بعد از قتل پدرش محمد نادر شاه

ادامه دارد

